

## اختیار طلاق

در شماره هشتم سال دوم این مجله بحثی در باره حقوق زن تحت عنوان «ماجرای آزادی بانوان» عنوان شد. و در آن پس از ذکر مقدمه می، اختلاف زن و مرد از نظر سازمان فطری مورد مطالعه قرار گرفت و سپس قسمتی از حقوق انسانی که در آنها زن و مرد از نظر اسلام مشترکند؛ اشاره کردید.

در این شماره بحث «طلاق» از نظر خوانندگان محترم میگذرد. طاعات فریبی

کلمه «طلاق» در این او اخر زیاد بچشم میخورد؛ و این عنوان شوم همه جا تاثیر گی و وحشت قیافه نازیبای خود را نشان میدهد.

زنان بی سر و سامانی از بلای طلاق مینالند؛ و از اینکه این عفریت چهره خشن و وحشت انگیز خود را بآنان نمایانده و پیوند خانوادگی آنان را از هم گسیخته است، شکوه دارند.

بانوانی بمنوان گسستن زنجیرهای اسارت؛ سنگ اختیار طلاق را بسینه زده و میل دارند؛ آزاد از هر گونه قیدی؛ هر زمان که هوس کردند، سایه شوم شوهر خویش را از سر خود کوتاه کنند و این رشته را ببرند و از زندان خانوادگی بیرون آمده و در اوج رویاهای خود پرواز کنند؛

جمعی هم از کثرت طلاق بو حشت افتاده و گاه و بیگاه با انتشار از دیاد آمار طلاقها و قوس

صعودی منظمی که می‌بیماید؛ زنگ خطر را بصدای آورد گاهی هم پیشنهاد میشود که دادگاه مخصوصی برای رسیدگی بامر طلاق تشکیل شود تا مگر بتواند در امر تعدیل و کنترل و جلوگیری از ازدیاد آن اقدام کند؛

بالاخره کسانی هم در این مسئله مانده‌اند که این همه طلاقیها از کجا سرچشمه میگیرند و علت ازدیاد طلاق در جامعه چیست؟

ما با صرف نظر از جهات مختلفیکه ممکن است تحت عنوان فوق مورد بحث واقع شود، هدف خود را تعقیب میکنیم. و آن اینکه ببینیم نقش اسلام برای جلوگیری از ازدیاد طلاق چیست و بالاخره اسلام در چه شرائطی طلاق را تجویز می‌کند و آیا اختیار طلاق بدست کیست؟ و تا چه حد مقررات اسلام در این زمینه میتواند عالیتترین مصالح خانوادگی را تأمین کند؟ و چون بحث عمیق درباره طلاق، بدون آنکه؛ ازدواج مورد مطالعه قرار گیرد، ممکن نیست قبلاً بوقیعت ازدواج در اسلام و وظائف حقوق طرفین اشاره می‌کنیم تا زمینه برای هدف بحث آماده گردد و ضمناً از این رهگذر شخصیت حقوقی زن در محیط خانوادگی نیز روشن شود.



### ازدواج

اجتماع از کانونهای کوچک خانوادگی تشکیل میشود. بهر نسبت که خانواده بیشتری تشکیل شود و در حفظ و استحکام روابط آن بکوشند محصول خانواده ها و در نتیجه افراد اجتماع زیاد تر خواهد شد. اجتماع وسیع و نیرومند از خانواده های ثابت و صمیمی تشکیل میشود.

قسمتی از موجبات تلاش معاش و کوشش در گرداندن چرخهای زندگی و فعالیتهای اقتصادی را عشق به اداره زندگی خانوادگی و حفظ سعادت زن و بچه فراهم میکند.

« زن اختیار کنید چون ازدواج وسائل روزی شمارا بیشتر میکند» (رسول الله ص) (۱)  
 مردیکه غریبه جنسی خود را از طریق غیر مشروع اعمال میکند، بادل سردی و آوارگی وی هدی بدنیال کار میرود، گذشته از آنکه کاخ عفت خود را واژگون میکند.  
 « از عمل نامشروع زنا پرهیزید، که بنیبه اقتصادی (روزی) را خراب و دین را از بین می‌برد» (موسی بن جعفر - ع) (۲).

۱ - من لایحضر: ص ۴۰۹ -

۲ - کافی: ج ۵ - ص ۴۰۱ -

از دیاد نسل هم از طرق غیر مشروع عملی نیست ، چون معمولاً از تکون بچه های نامشروع جلوگیری می شود ؛ و فرضاً بچه ای پدید آمد ، حامی و ضامن بقاء ندارد . شیرخوار گاههانیز نمیتوانند مانند پدر و مادر از بچه حمایت کنند ؛ لافل از نظر روانی بچه ایکه از عواطف و مهر مادری کنار باشد ، لطافت زندگی را نمیفهمد . و شخصیت خود را دست نیآورد . مگر نه این است که از روز اول خواسته هایش سر کوفته شده ؛ و نشاط و طراوت روحی خود را باز نیافته است ؟ .

این مهر مادر است که باو امید میدهد ، نوبند میدهد ، شور و لطف و صفا میدهد . گذشته از این در اجتماع نظم خانوادگی و حفظ نسب لازم است مردمی که قوم و قبیله و پدر و مادر و ملیت خود را نشناسند ، از بسیاری از حقوق و روابط انسانی محرومند . و بهمین جهت است که قوانین آسمانی برای يك زن بیش از يك شوهر در يك زمان تجویز نمیکنند تا روابط پدر فرزندى صحیح محفوظ باشد (۱) . بمکس اسلام برای يك مرد در حدود حفظ مقررات و وجود شرائط خاصی ، بیش از يك زن هم تجویز کرده است (۲) و این خود احتیاج بیعت مستقلی دارد ؛ و خوشبختانه تجارت اخیر بشری ، لزوم این حق را تأیید میکند . و توجه و استقبال بعضی محافل متمدن از این قانون اسلامی ؛ نمودار احساس احتیاج شدید جامعه بشری بوجود این قانون است .

پس در پناه تشکیل خانواده ، نسل پاک جامعه در تزاید است ؛ حوائج جنسی بدون هیچگونه تراحم و آلودگی رفع می شود . آرامش و امید ، پناهگاه و هدف برای زن و مرد موجود است ؛ احساسات لطیف کودک احباء شده و نظم نسب و حدود خانوادگی محفوظ است .

### ازدواج از نظر اسلام .

در اسلام ، ازدواج اساسی ترین بنیه اسلامی معرفی شده است :

« در اسلام سازمانی محبوبتر از ازدواج تشکیل نگردید » (رسول الله . ص) (۳)

ازدواج بهترین وسیله برای حفظ عفت عمومی است .

« کسیکه تزویج کند نصف دین خود را نگاه داشته است . . » (محمد الباقرع) (۴)

ازدیاد و توسعه افراد جوامع و ملل از طریق ازدواج تأمین میشود .

(۱) علل الشرایع : ج ۲ ص ۹۰ .

(۲) سوره نساء آیه ۳ - (۴۳) - من لایعضر : ص ۴۰۹ .

« ازدواج کنید تا نسل شما زیاد شود که من بزبانی شما ، روز قیامت بر سایر ملتها مباحثات میکنم » ( رسول الله - ص ) ( ۱ ) ازدواج باعث آرامش روح و ایجاد روابط محبت و صمیمیت است .

« از نشانه های قدرت و لطف خداست که از جنس خودتان - برای شما همسرانی آفریده و بین شما دوستی و مهر و عاطفه قرار داده است » ( ۲ ) در اسلام سفارش زیادی در امر ازدواج شده است :

« مردان بی زن و زنان بی شوهر و کنیزان و بردگان خویش را بشکاح آورید . اگر فقیر باشند ، خدایشان بی نیاز میکند . . » ( سوره نور - آیه ۲۳ ) ترس از فقر و بیچارگی نباید موجب فرار از تشکیل خانواده باشد :

« کسیکه میل دارد ؛ پاک و پاکیزه خدا را ملاقات کند ، باید ازدواج کند . کسیکه ازدواج را از ترس بیچارگی ترک کند ، بخدا گمان بدرده است » ( رسول الله - ص ) ( ۳ ) .

اگر کسی موقتاً شرائط مساعدی برای ازدواج نداشت باید خود را از آلودگی نگاه دارد . ( ۴ ) جز از طریق مشروع نمیتوان اعمال غریزه جنسی کرد . . « مؤمنین دستکار شدند ... آنها که دامن خود را از آلودگی حفظ کرده و فقط بازنها و کنیزان خود آمیزش میکنند » ( مؤمنون - ۶ ) .

عمل نامشروع زنا بشدت تقبیح شده و زنا کار باید مجازات شود .

« گرد زنا نگردید که آن عمل زشت و موجب خشم خدا و روش بدی است » ( ۵ )  
مرد وزن زنا کار ، بهر يك صدها تا زیاده بزیند و مهر و عاطفه شما مانع اجراء حکم خدا نگردد ( نور - ۲ ) .

### قبل از ازدواج

اسلام میخواهد که طرفین قبل از ازدواج مطالعه کافی در انتخاب همسر بنمایند ؛ و علاوه بر تحقیقاتیکه از نزدیکان و آشنایان طرف ، در باره جهات اخلاقی و اجتماعی و ظاهری هم میکنند ، خود مرد وزن هم حق دار ندیکدیگر را ببینند ( ۶ ) تا پس از ازدواج موجبات

۱ - سفینه البعار : ج ۱ ص ۵۶۱ .

۲ - سوره روم : ۲۱ - ۳ - من لا یحضر من ۴۱۰ . ۴ - نور : ۳۲ .

۵ - اسراء - ۳۱ .

۶ - کافی : ج ۵ ص ۳۶۵ .

نگرانی فراهم نشود و این ازدواج با بصیرت و توافق کامل حاصل شود .

زن در انتخاب شوهر آزاد است و هیچگونه تحمیلی بر او روانیست و براو هم لازم نیست زیر بار کسیکه برایش انتخاب کرده یا پیشنهادیکه میکنند برود ، تنها در صورتیکه در شیزه باشد ، باید برای ازدواج با شوهر دلخواه خود از پدرم تحصیل اجازه کند ، مبادا در اثر کم تجربگی و صفای کودکانه ؛ خود فریب بخورد .

### مهریه

در اسلام برای انجام ازدواج ؛ بحفظ احترام و توجه بشخصیت زن مهریه قرار داده شده است . مرد باید ، مهر را حق مسلم زن دانسته و باو بپردازد : «مهر زن را با کمال رضا و رغبت بپردازید» (نساء - ۳) .

«ممکن است خداوند هر گناهی را روز قیامت بیاورد ، مگر در صورتیکه مهر زن پرداخت نگردد و بیاورد کارگری غصب شود و بیاورد آزادی را بفروشند» . ( رسول الله - ص ) (۱) ولی مهر را نباید سنگین گرفت تا آنجا که موضوع بصورت تجارت در آید و از طرفی از ازدیاد ازدواجها جلوگیری شود و مشکلی بر سر راه این ناموس قطعی اجتماع پدید آید .



### تقسیم وظائف و حقوق

تا اینجا موقعیت ازدواج از نظر اسلام روشن شد ؛ اکنون که خانواده تشکیل شد باید وظائف اداره و رشد این سازمان را عادلانه بین طرفین تقسیم کرد .

در شماره هشتم اثبات شد که سازمان بدنی و روحی مرد برای ورود در جزو مد زندگی و مبارزه با مشکلات برای تأمین زندگی ، ساخته شده است .

در مقابل برای زن این امکان بطور مطلق وجود ندارد ، از طرفی وظائف خاص او در سازمان خانوادگی ، مجال فعالیتهاى زیاد اجتماعى را برایش محدود میکند .

بنابر این مرد عهده دار تأمین زندگی و اداره مخارج این سازمان است : «مادران بکودکان خود دو سال تمام شیر میدهند و برعهده پدر است که غذا و لباس زنان را تأمین کند» . ( بقره : ۲۲۳ )

### تریت کودك

در اسلام بزنیکه بتواند بچه بیشتری بیاورد احترام زیادتری گذاشته میشود :

«بهترین زنان شما آن است که بیشتر بچه آورد...» (رسول الله - ص) (۱) علاوه بر این آنچه را که در مبرای تکثیر نسل و اطفاء غریزه جنسی طرفین است، بناوین مختلف، بنوان مزایای زن و مرد شناخته است؛ چون اسلام میخواهد از طرفی با تأمین این احتیاج در حصار عفت خانوادگی، محیط خارج را از نظر نزاکت اخلاقی و عفت عمومی حفظ کرده، و نوامیس مردم را از آلودگی و انحراف در امان دارد. تا آنجا که زن ملزم است - با وجود امکانات شرعی - در مقابل تقاضای جنسی شوهر فرمانبردار باشد، و این حق برای مرد، بهترین راه برای حفظ عفت عمومی و چاره منحصر بفر دجلو گیری از تجاوزات ناموسی است.

و از طرفی ایجاد شرایط سهل امور جنسی در محیط خانوادگی برای ازدیاد نسل و تقویت بنیه انسانی جامعه تأثیر فوق العاده دارد.

اکنون که اسلام بیش از همه چیز ازدواج را از در بچه ازدیاد نسل مطالعه میکند؛ طبیعاً در محیط خانوادگی، فصل بزرگی، پیرامون حفظ و تربیت کودک پیش میآید آیا این وظیفه بمهده کیست؟ جواب این سؤال روشن است:

زن که بدنش مجهز بدستگاه حمل و شیر دادن است خواه ناخواه بچه هم در دامن او خواهد افتاد و دستگاه فطرت؛ قرعۀ این فال را بشام اوزده است.

قبلاً اشاره شد؛ که شیر خوار گاه هم و لو خیلی مجهز باشد؛ تنها برای سرپرستی کودک مادر مرده و بی سرپرست و احیاناً کودک کانیکه - بر اثر تراکم - محیط خانه قدرت تربیت و اداره همه آنان را ندارد؛ خوب است.

و الا بچه در دامن بیگانه احساسات لطیفش سر کوفته می شود، رشد روحی و طراوت ضمیر خود را باز نخواهد یافت، چون مهر و عاطفه سرشار و عمیق و سرپرستی توأم با گذشت و فداکاری، که برانگیخته علاقه شدیدی مادراست؛ میتواند جوابگوی کامل خواسته های کودک و پروراندۀ غرائز او باشد.

بنابراین یکی از وظائف حساس زن حفظ و تربیت کودک است، و از آنجا که پایه بنای اجتماع آئینه در دامن مادر گذارده می شود، و سرنوشت جامعه فردار مادران امروز تعیین میکنند، این وظیفه بسی خطیر و قابل توجه است. کتابهای روانی و تربیتی، وراثت و محیط را دو عامل منحصر بفرد تشکیل شخصیت و جهات روحی و جسمی افراد میدهند. محیط همان محیط تربیت است که قبل از همه و بیش از همه در دامن مادر و بدست او بوجود می آید.

بنابر این سرمایه‌های روحی و استعدادها و نبوغهای علمی و اجتماعی و آثار زشت و زیبایی انسانی، میوه‌هایی است که قسمت عمده پدرش بدست مادران کاشته شده است.

اسلام بجهانی که در زن از نظر تکون و تربیت بچه، مؤثر است؛ اهمیت فراوان میدهد:

«بازنان کردن ازدواج نکنید؛ چون معاشرت با آنها بلاء است و کودکانشان هم فاسد میشوند» (علی - ع - ) (۱)

«دوست نمیدارم مردم مسلمان بازن یهودی و نصرانی ازدواج کند، مبادا فرزندش یهودی یا نصرانی شود» (جعفر الصادق - ع) (۲)

«زنهای قریش بهترین زنانند؛ چون بشوهران لطف و بکودکان مهر و عطف و نیت زیادتری دارند» (رسول الله - ص) (۳)

### از خانه بیرون رفتن

زن نسبت بشوهر؛ بمنزله ناموس خاص اوست که در خارج از اودفاع میکند و برای حفظ و اداره او میکوشد. این دو موجود برای یکدیگر آفریده شده‌اند و باید روابط جنسی آنها فقط باهم باشد؛ و چون ارتباطات عادی هم همیشه برای زن بعنوان خطر احتمالی انحراف تلقی می‌شود؛ اسلام میل دارد که تماسهای عادی خارجی زن هم در حدود موافقت و با اذن و اطلاع شوهر انجام گیرد.

**حاکمیت مرد:** خانه محیط کوچک اجتماعی است. هر اجتماع، احتیاج بنظم و تشکیلات خاصی اداری - در حدود خود - دارد؛ در اجتماع علاوه بر آنکه شئون و مشاغل بین همه افراد تقسیم می‌شود و هر کسی بمقتضای استعداد و فن خاصیکه در آن مهارت پیدا کرده است؛ متمه اداره قسمتی از کارهای محیط و امور زندگی می‌شود؛ علاوه بر این کسی یا کسانی؛ موقتاً یا دائماً؛ بعنوان حاکم و مدیر؛ زمام امور را در دست می‌گیرند، و در حدود مقررات خاص بر اساس عدل و قانون باید اجتماع را اداره کنند.

محیط منزل هم بنوبه خود یک نفر رئیس لازم دارد؛ طبیعی است که مرد چون عهده دار تأمین مخارج و دفاع از حقوق و حدود خانواده است و برای حفظ و حمایت افراد منزل می‌کوشد؛ یک نوع حاکمیتی طبعاً پیدا خواهد کرد:

«مردان عهده دار امر زنانند، از آن رو که خداوند گروهی را بر گروه دیگر برتری داده و از طرفی آنان باید مخارج خانه را تأمین کنند». (سوره نساء: ۳۴)

۱ - کافی - ج ۵ - ص ۳۵۴.

۲ - کافی ج ۵ ص ۳۵۱ - ذیل روایت ۱۵ - ۳ - کافی ج ۵ ص ۳۲۹.

در عین این حاکمیت اسلام مدعی است که بقدری حقوق بنفع زن قرار داده شده است، که جبران این را میکند. «بنفع آنان حقوقی جعل شده که با آنچه بر ضرر آنان است برابری میکند و مردان بر آنان مزیّت دارند» (بقره ۲۲۷).

واز طرفی باید در نظر داشت، که اسلام بقدری مرد را در اعمال سلطه و حاکمیت محدود کرده است؛ که سعادت و شخصیت حقوقی زن کاملاً محفوظ است، حتی شوهر نمیتواند در انجام امور داخلی منزل زن را مجبور کند؛ تاچه رسد باینکه بخواهد با الزام و اادار کردن او بکارهای دشوار، از نتیجه دسترنج او استفاده کند. و یا باموال و املاک زن تجاوز نماید. شوهر حق تصرف در اموال زن نداشته و حق مالکیت زن نسبت بمال و نتیجه عمل خود محفوظ است. گذشته از این اسلام امضا نمیکند که زندگی و رفتار شوهر با زن، حاکمانه و با خشونت انجام گیرد؛ «بازنان بخوبی معاشرت کنید» (نساء - ۱۹).

### درس زندگی

در خانه بحث این نکته قابل تذکر است که بهمان نسبت که اسلام بازدواج با چشم احترام مینگرد، برای حفظ این پیوند نیز تلاش میکند. اسلام اهتمام دارد که برای همیشه این زندگی بر اساس محبت استوار باشد و این شیرازه از هم گسیخته نگردد؛ لذا در حقوق متقابلیکه برای زن و مرد تعیین شده، موادی بچشم میخورد، که مراعات آن از طرفین این پیوند را محکمتر و زندگی را شیرینتر مینماید و همانطور که بیان شد، اصل و داد و محبت را پایدار و عمیق میسازد.

علی (ع) در نامه ای که بفرزندش حسن (ع) نوشته است میفرماید:

«بزن بیش از حد طاقش تحمیل نکن، (بر او سختگیری منما)؛ این خوش رفتاری بعالش مفیدتر است، فکرش را آرام تر و زیبائیش را پایدار تر میکند، زن همچون گل معطری است و نیروی زیادی ندارد؛ از بذل و بخششهایش جلوگیری مکن؛ و بسا با کدمنی خودچشم او را هم از نظر بدیگران بیوش؛ و آنچه آن کن که در پناه حجاب خانوادگی و ارضاء امیال جنسی او هوس دیگران را نکنند...» (۱)

«زن لعبتی است که هر کس او را گرفت نباید ضایعش کند» (رسول الله ص) (۲).

«آباد و است زنی را که با او آمیزش میکنی، بزنی ۱؛» (رسول الله ص) (۳).

«گمان ندارم مردی خیری در ایمان خود بیافزاید؛ جز باین راه که علاقه و مهر خود را



نسبت بزنان بیافزاید» (امام صادق - ع) (۱) .

در مقابل بهترین زنان هم آنست که برای حفظ این بنیان از هیچگونه همکاری و خوش-رفتاری و حسن نیت، نسبت بشوهر خود دریغ ننماید. روایات زیادی در این خصوص وارد شده که میتوان روایت ذیل را یکی از جامه‌ترین روایاتی که در آن مزایای یک زن خوب جمع شده است، معرفی کرد:

«بهترین زنان شما کسانی هستند که فرزند زیاد آورند؛ باعاطفه و مهر و مودت باشند در حفظ خود بکوشند، در بین اهل خود سربلند؛ و با شوهر خود درام و فروتن باشند، برای شوهر خود آرایش و زینت کنند؛ و نسبت بدیگران خود را حفظ نمایند، حرف شوهر را بشنوند؛ و فرمانش را بپذیرند؛ و در خلوت خواسته شوهر را آورند...» (رسول الله ص) (۲)  
 اینها نمونه‌ای از وظائفی است که زن و مرد نسبت بیکدیگر دارند. نمیدانم آیا اگر ازدواجی بر این بنیان نهاده شد، آیا امکان طلاقیش پیش می‌آید، و آیا میتوان دیگر از این خطر ترسید؟ و برای جلوگیری از آن فکر چاره‌ای کرد؟ ...

۱ - کافی ج ۵ ص ۲۳۰

۲ - کافی ج ۵ ص ۲۳۴

### تو بر خاکی نیکی کن ای نیکبخت

امام صادق (ع) فرمود: **سئل رسول الله (ص) من احب الناس ائی الله تعالی قال انفع الناس للناس** - یعنی از پیغمبر اکرم (ص) سؤال شد که کیست محبوبترین مردم نزد خدا؟ حضرتش در جواب فرمود آن کس که برای مردم از همه سودمندتر است. امام صادق (ع) فرمود: **قال رسول الله (ص) خیر الناس من انتفع به الناس** . یعنی بهترین مردم آن کسیست که مردم از او بهره‌مند شوند.

خدا را بر آن بنده بخشایش است

که خلق از وجودش در آسایش است